

## سرانجام عیسی (ع) در مقارنه میان قرآن و عهد جدید

عباس همامی<sup>۱</sup>

احسان پور اسماعیل<sup>۲</sup>

### چکیده:

آنچه در این نوشتار می‌آید، بررسی سرانجام حضرت عیسی (ع) در اناجیل چهارگانه و تطبیق آن با قرآن است. مقاله حاضر با واکاوی اناجیل به نقد اعتقاد بیشتر مسیحیان کنونی پیرامون عاقبت مسیح (ع) می‌پردازد. اگرچه سخن از صلیب و فقدان (توفی) در مآثورات اسلامی آمده است. اما در این مکتب نتیجه دیگری از آن گرفته می‌شود. نتیجه‌ای که از سویی ابهام را درباره فرجام عیسی (ع) می‌زداید و از دیگرسو منجر به باورداشت زنده بودن حضرت عیسی (ع) و عروج جسمانی روحانی او می‌گردد. به این ترتیب قرآن مجید موضع قاطعی در برابر پایان اولین دوره زندگی حضرت عیسی (ع) معرفی می‌کند که این رویکرد می‌تواند برای معتقدان به مسیح (ع) جالب باشد.

کلید واژه‌ها: قرآن، عهد جدید، سرانجام عیسی (ع)، عروج.

۱- دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نیمه وقت واحد تهران شمال و مدعو واحد علوم و تحقیقات)

E-mail:hemami@quranhadith-ngo.ir

۲- فارغ التحصیل کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث از واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

E-mail:ehsanpouresmaeil@yahoo.com

## طرح مسأله

زندگانی حضرت عیسی (ع) از آغازین روزهای تولد تا واپسین لحظه حضور در میان مردم، حاکی از قدرت لایزال الهی و در عین حال توجه ویژه خداوند به شخصیت او در میان سایر انبیاء است.

عیسی (ع) در حالی چشم به جهان می‌گشاید که نادانان روزگار، مادر او را متهم کرده بودند و این آغاز بزرگترین رویارویی او در آینده با مخالفان اش گردید.

اگر چه او در گهواره سخن می‌گوید (مریم، ۳۰) و در طول زندگی همواره نشانه‌های فراوانی از مقام نبوت دارد، اما هم چنان موج تهمت‌ها به او وارد است تا جایی که ابن عباس شروع ماجرای به قتل رساندن عیسی (ع) را یکی از همین جریان‌ها می‌داند. (طبرسی، ۲/ ۱۳۵)

حکایت فرجام عیسی (ع) از آنجا مهم جلوه می‌کند که دو رویکرد کاملاً متفاوت از آن استنتاج می‌شود. گروهی معتقدند عیسی (ع) به دار آویخته شده و در مقابل، دیدگاه اسلامی بر این باور است که عیسی (ع) را نکشته‌اند و وی به آسمان عروج کرده است.

امروز، با جستجو در دنیای مسیحیت، هنوز می‌توان گروهی که معتقد به مصلوب نشدن عیسی (ع) هستند را، پیدا نمود. اما هم چنان شمار معتقدان به نقطه مقابل این اعتقاد فراوان بوده، بلکه اکثریت قریب به اتفاق مسیحیان را شکل می‌دهد؛ در این مجال بر آنیم بر اساس موضع صریح قرآن به بررسی مدعای اناجیل پرداخته و با فرض عدم تحریف وجوه مشترک آن را با قرآن یادآور شویم.

### ۱- توطئه قتل عیسی (ع)

پیدا کردن سبب اصلی قصد از میان بردن عیسی (ع) کار دشواری است. انجیل‌ها دلیل روشنی برای بازداشت عیسی (ع) بر نمی‌شمرند؛ با در نظر گرفتن مفهوم ضمنی شاید بتوان گفت که زمامداران جرم خاصی را در نظر گرفته بودند که به وسیله آن قصد داشتند به هر ترتیبی وی را خاموش سازند و بعد از دستگیری اتهاماتی به او بزنند، اگرچه برخی به دلیل قوانین دادرسی یهود این احتمال را ضعیف می‌انگارند. (کارپنتر، ۱۴۸)

مدعای اناجیل و آن چه در ماثورات اسلامی آمده است اگر چه حاکی از چند جریان متفاوت است، اما این حقیقت تلخ را نمی‌توان فراموش کرد که انسان‌ها خصوصاً یهودیان در برخورد با پیامبران الهی سرپیچی، تکذیب و یا قتل را سرلوحه کار خویش قرار داده‌اند. «افکلما جاءکم رسول بما لاتھوی انفسکم استکبرتم ففریقاً کذبتم و فریقاً تقتلون». (البقرة، ۸۷)

عیسی (ع) نیز از این قاعده مستثنا نبوده و از این رو در برخی از تفاسیر آمده است: «وقتی او از میان گروهی از یهودان می‌گذشت با سخن شنیع آنان درباره چگونگی تولد خویش و تهمت به مریم (ع)، مادر بزرگوارش، روبرو شد که با نفرینی گویندگان سخن را بدرقه کرد. نفرینی که منجر به مسخ آنان گردید». (طبرسی، ۱۳۵/۲) این خبر به یهودا پادشاه یهودیان رسید و ترس از سرنوشت اذیت‌کنندگان عیسی (ع) او را واداشت تا تصمیم به قتل پیامبر خدا بگیرد. از سویی گسترش آیین مسیح (ع)، رؤسای یهود را نگران کرده بود. آنان که تعالیم عیسی (ع) را تهدیدی بزرگ برای منافع خود می‌دیدند، تصمیم به قتل عیسی (ع) گرفتند. (میشل، ۶۸) چنان که از متن انجیل یوحنا این گونه بر می‌آید: «آن گاه بسیاری از یهودیان که با مریم آمده بودند، چون آن چه عیسی کرد، دیدند، بدو ایمان آوردند، ولیکن بعضی از ایشان نزد فریسیان رفتند و ایشان را از کارهایی که عیسی کرده بود آگاه ساختند. پس رؤسای کهنه و فریسیان شورا نموده، گفتند: چه کنیم زیرا که این مرد، معجزات بسیار می‌نماید! اگر او را چنین واگذاریم، همه به او ایمان خواهند آورد و رومیان آمده، جا و قوم ما را خواهند گرفت» (یوحنا، ۱۱، ۴۵ - ۴۸)

چه بیان اول و چه تصمیم رؤسای کهنه به سبب بسط اندیشه‌های مسیح (ع) را صحیح بدانیم، به هر حال توطئه قتل عیسی (ع) برنامه ریزی می‌شود. نکته مهم در این میان، پیش‌گویی عیسی (ع) در طرح مصلوب کردن وی است. (متی، ۲/۲۶)

## ۲- دستگیری عیسی (ع)

دستگیری عیسی (ع) در عید بزرگ سالیانه فصیح صورت می‌گیرد، روزی که گروهی از یهودیان از اطراف جهان به معبد بزرگ اورشلیم - محل برگزاری مراسم - آمده بودند. جدای از نیت واقعی پیلاتس حاکم روم، این جشن سالیانه در میان یهودیان چنان مهم

بود که او از شهر ساحلی قیصریه به اورشلیم می‌آمد و هردوس آنتیپاس شاه یهود هم از جلیل به آن جا سفر می‌نمود. (ناس، ۶۰۵)

اما جریان دستگیری براساس خیانت یکی از حواریون در شب اتفاق می‌افتاد. «یهودا اسخریوطی» نامی است که اناجیل از تسلط شیطان بر قلب او در تسلیم ساختن عیسی (ع) یاد کرده و گفته‌اند که با پذیرش اندکی رشوه، مخفی گاه مسیح (ع) را فاش نمود. (متی، ۱۴/۲۶-۱۶ و مرقس ۱۰/۱۴-۱۱ و لوقا، ۳/۲۲-۶) در روایات اسلامی از شخصی به نام «طیطانوس» یاد شده است که به رهبری یهودا، عیسی (ع) را نشان داد. (طبرسی، ۱۳۵/۲)

در آخرین مجلسی که عیسی (ع) به شکل آشکار با حواریون تشکیل داد، از تسلیم شدن خود توسط یکی از شاگردانش سخن به میان آورد. تاثیر کلام پیامبر خدا، حواریون را وا داشت تا خود را متهم سازند. اما عیسی (ع) با چشم پوشی از نام بردن وی می‌گفت: به درستی که پسر انسان به طوری که درباره او مکتوب است، رحلت می‌کند، لیکن وای بر کسی که پسر انسان به واسطه او تسلیم شود. او را بهتر می‌بود که تولد نیافتی (متی، ۲۴/۲۶ و مرقس ۱۴/۲۱ و لوقا ۲۲/۲۱-۲۲) این مجلس براساس اثر لئونارد داوینچی، به شام آخر معروف شده است. بنا بر اناجیل، عیسی (ع) مشغول بیان آخرین سخنان خود بود که سربازان رومی حمله ور شده و او را دستگیر کردند.

چنانچه همه منقولات اناجیل را بپذیریم، بر اساس نگاه قرآن، آنچه در اناجیل پیرامون دستگیری و قتل عیسی (ع) مطرح می‌شود، جز تحریف چیز دیگری نمی‌تواند باشد.

دلایل مختلفی را می‌توان برای توجیه بیان قرآن، مبنی بر دستگیری فرد دیگری به جای حضرت عیسی (ع) بیان داشت که با در نظر گرفتن آن چه که در عهد جدید آمده است، می‌توان به این نتیجه رسید که فرد دستگیر شده پیامبر خدا، عیسی (ع) نبوده بلکه به تعبیر قرآن، امر بر مردم مشتبه شده است. (النساء، ۱۵۷)

در گام نخست به این نکته می‌توان اشاره کرد که جریان دستگیری در شب اتفاق افتاده است. اگر چه بنا به تعریف کتاب مقدس، سربازان مجهز به چراغ‌ها و مشعل‌هایی بودند (یوحنا، ۳/۱۸) اما فضای گسترده عید فصح، اجازه روشن شدن جای جای مراسم را نمی‌داد که این خود به تلقی نادرست سربازان کمک می‌کرد.

سربازانی که برای دستگیری عیسی (ع) مهیا شده بودند، رومی بودند و هرگز با عیسی (ع) آشنایی نداشتند، به همین دلیل یهودا به همراهانش گفته بود: کسی را که بوسیدم دستگیر کنید. (متی، ۲۶/۴۸) این عدم شناخت امکان اشتباه کردن سربازان را به اوج خود می‌رساند و خود دلیلی می‌گردد تا امر بر آنان مشتبه شود.

برخی براین باورند که یهودیان به صورت مستقیم به قتل عیسی (ع) اقدام کرده‌اند که این پنداشت نادرستی است. بدون تردید نقش رومی‌ها در طرح قتل باصلیب را می‌توان اثبات نمود. در آن زمان شیوه‌اعدام رومیان مصلوب کردن مجرم بوده است و در مقابل یهودیان در سخت‌ترین شرایط به وسیله ی سنگسار، با مجرم برخورد می‌کردند. (کارپنتر، ۱۴۹)

در مورد این که چرا انجیل‌ها تقصیر رومی‌ها را به گردن یهودیان اندخته‌اند، باید به این نکته توجه داشت که مسیحیت در سده‌های نخست تا حد زیادی متأثر از امپراتوری روم بود. به علاوه بعد از جنگ‌های یهودی در نیمه ی قرن اول، یهودیان از چشم امپراتوری افتادند و از سویی در همان ابتدا، کلیسای مسیحی به دیده عداوت به یهود نگریست و روی خوشی به آن نشان نداد. به هر حال تأکید انجیل‌ها بر نقش سران یهود در مرگ عیسی (ع) آن چنان قوی است که دشوار بتوان آن را رد کرد. (همانجا، ۱۴۹)

در جریان محاکمه که در قسمت بعد به آن اشاره می‌شود، امر آن چنان بر رئیس کهنه مشتبه شده بود که متهم را به خداوند سوگند داد تا هویت اصلی وی آشکار گردد! «... تو را به خدای حی قسم می‌دهم: ما را بگو که تو مسیح پسر خدا هستی یا نه؟» (متی، ۲۶/۶۳)

بر اساس نظر برخی، افشا کننده عیسی (ع) خود به دام سربازان روم گرفتار می‌گردد، این مهم که یکی دیگر از دلایل مدعیان عدم دستگیری عیسی (ع) است، از مهم ترین شواهد آنان محسوب می‌شود؛ بر همین اساس اناجیل هرگز بعد از جریان دستگیری عیسی (ع) یادی از یهودا نمی‌کنند که می‌تواند نشانگر این باشد که فرد مصلوب شده جز خائن به عیسی (ع) کس دیگری نبوده است. این دیدگاه کسانی است که معتقدند خداوند او را به شکل عیسی (ع) درآورد تا یهودیان مجبور شوند او را به دار بیاویزند. (عسکری، ۲۵۴/۳)

همین دلایل است که قرآن قول کسانی را که می‌گفتند: «أنا قتلنا المسيح» (النساء، ۱۵۷) را تنها بر اساس گمان بیهوده می‌داند. «و ان الذين اختلفوا فيه لفي شك منه ما لهم به من علم الا اتباع الظن» (همان)

### ۳- محاکمه ی مسیح (ع)

موضوع محاکمه ی عیسی (ع) در حضور «قیافا» رئیس کهنه از رویدادهای مورد پذیرش مسیحیان است که رؤسای کهنه برخلاف نظر «پیلاتس» اور امحکوم می‌کنند. (متی، ۲۶/ ۵۷-۶۸ و مرقس ۱۴/ ۵۳-۶۵) و سرانجام وی حکم مصلوب شدن عیسی (ع) را صادر می‌کند. (متی، ۲۷/ ۱۵-۲۶؛ مرقس، ۱۴/ ۶-۱۵؛ لوقا، ۲۳/ ۱۳-۲۵ و یوحنا، ۱۸/ ۲۸-۴۰) به روایت انجیل‌ها بهانه‌ای برای محکومیت عیسی (ع) پیدا نشد و حاضران مجلس تنها شاهد سکوت او بودند، و در تمام جریان محاکمه تنها این ادعا را از او شنیدند که پسر انسان است که بر ابرهای آسمان به زمین می‌آید. (متی، ۲۶/ ۶۴)

بسیاری دلیل این اتهام را از این رو بر نمی‌تابند که اولاً اگر اثبات شود که عیسی (ع) چنین سخنی گفته باشد در گام بعدی باید دانست که در کیش یهود گفتن چنین سخنی هرگز کفر نبوده تا سزای آن چنین مرگی باشد، بلکه بنا بر تفکر این آیین تنها ناسزاگویی به نام مقدس خدا کفر محسوب می‌شود. (کارپنتر، ۱۴۸)

### ۴- مصلوب شدن مسیح (ع)

با نیرنگ یهودیان عیسی (ع) مستوجب مرگ می‌شود. از تعبیر قرآن پیرامون مصلوب شدن عیسی (ع) این چنین بر می‌آید که اصل واقعه ی صلیب مورد اتفاق قرآن و انجیل است؛ اما اختلاف از آن جایی پدید می‌آید که در فرد مصلوب شده، اناجیل عیسی (ع) را معرفی می‌کنند، اما قرآن با قاطعیت می‌فرماید: «قولهم انا قتلنا المسيح ابن مريم رسول الله و ما قتلوه و ما صلبوه و لكن شبه لهم» (النساء، ۱۵۷)

در روایت حسن از امام محمد باقر (ع) منقول است که عیسی (ع) در آخرین شبی که نزد حواریون بود، فرمود: خدا به من وحی کرده که مرا در این ساعت به آسمان برده و از

لوث یهود پاک گرداند، چه کسی در میان شما قبول می‌کند که شَبیح من بر او بیافتد تا به شباهت من او را کشته و به دار آویزند تا در قیامت در درجه ی من در بهشت باشد؟  
جوانی از حواریون خود را به عیسی (ع) نشان داد و یهود آن جوان را که شباهت به او داشت، کشتند. (قمی، ۱۰۳/۱)

با این وجود مسیحیان قائل به قتل او توسط صلیب‌اند؛ آن چنان مصلوب کردن عیسی (ع) مورد پذیرش مسیحیان است که هر یک به شرح و تفسیر کیفیت قتل پیامبر خویش پرداخته‌اند مثلاً پولس، خون عیسی (ع) را فدیه یعنی آمرزش گناهان می‌شمرد (افسیان، ۷/۱) و همو معتقد است که خدا به خون صلیب عیسی (ع)، سلامتی را پدید آورد. (ولسیان، ۲۰/۱)

#### ۵- تدفین مسیح (ع)

بعد از داستان محاکمه و مصلوب کردن عیسی (ع)، اناجیل به بحث دفن او و از قبر برخاستن‌اش می‌پردازند. بر اساس این پندار، عیسی (ع) بر مریم مجدلیه آشکار گردید. به اعتقاد مسیحیان مریم مجدلیه که ابتدا زنی گناه کار بود، در ادامه با توبه به درگاه الهی از طرفداران مسیح (ع) به شمار آمد. او به همراه مریم عذرا (س) مادر حضرت عیسی (ع) تا آخرین لحظه در کنار صلیب مقاومت کردند. (متی، ۸/۲۸-۱۰، مرقس، ۹/۱۶-۱۱ و یوحنا، ۱۰/۲۰-۱۸) به جز این دو، اناجیل از ظاهر شدن عیسی (ع) بر شاگردان‌اش نیز گزارش داده‌اند. (مرقس، ۱۶/۱۶ و یوحنا، ۲۰/۲۴-۳۱)

#### ۶- مراد از توفی

«اذ قال الله يا عيسى اني متوفيك و رافعك الي و مطهرک من الذین کفروا» (آل عمران، ۵۵)  
بنا بر روایات روح از بدن عیسی (ع) بین زمین و آسمان گرفته شد. در حدیث موثقی از امام رضا (ع) رفع عیسی (ع) این گونه توصیف شده است: کشته شدن امر هیچ یک از پیامبران و حجت‌های الهی بر مردم مشتبه نشد به جز عیسی بن مریم (ع) چرا که او را زنده از زمین بالا بردند و روحش را در میان آسمان و زمین قبض کردند، و چون به آسمان رسید

حق تعالی روحش را به بدنش برگرداند چنان چه می‌فرماید: «انی متوفیک و رافعک الی» (آل عمران، ۵۵) و از عیسی (ع) حکایت می‌نماید «فلما توفیتی کنت انت الرقیب علیهم» (المائده، ۱۱۷) که هر دو آیه بر وفات حضرت عیسی (ع) دلالت می‌کند. (صدوق، ۲۵۱/۱). اما مفسران با محک عقل خود برداشته‌های متفاوتی از معنای توفی دارند. آنان با نگاهی به ظاهر لغت توفی آن را به معنای گرفتن چیزی به طور کامل ترجمه کرده و بین این کلمه با «فوت» تفاوت می‌گذارند.

یکی از معانی این واژه در قرآن، گرفتن روح از بدن به صورت کلی است که ملازم با مرگ است (الزمر، ۴۲، الانعام، ۶۱ و السجده، ۱۱) بدین ترتیب این دسته بر آنند که خداوند عیسی (ع) را میراند و پس از مرگ، او را در مکان رفیع و بلندی قرار داد. (زمخشری، ۷۲/۱) اما برخی بر اساس موضوع عروج آسمانی بر این باورند که خداوند در ابتدا عیسی (ع) را میراند و بعد از سه ساعت او را زنده کرده و به آسمان برد و بعضی بر اساس روایات گفته‌اند مردن آن حضرت بعد از آمدن به زمین در آخر الزمان خواهد بود. (طبرسی ۱/ ۴۴۹)

معنای دیگری را نیز متصور شده‌اند که توفی، به معنای گرفتن روح از بدن بوده، اما نه به صورت کامل که ملازم با خواب است. (الزمر، ۴۲ و الانعام ۶۰) با این تقسیم بندی برخی از مفسران توفی حضرت عیسی (ع) را گرفتن از دست یهود ترجمه کرده‌اند. (طباطبایی، ۳۲۱/۳-۳۲۵ و ۵ / ۲۱۶-۲۱۸) که این با صریح روایات در تنافر است که می‌فرماید: «رفعه الله الیه بعد ان توفاه علیه السلام». (صدوق، کمال الدین، ۱ / ۲۲۴)

## ۷- عروج به آسمان

از برخی عبارات کتاب مقدس نیز می‌توان عروج عیسی (ع) را به آسمان اثبات نمود. آن حضرت در موقعیت‌های مختلف به شرح این جریان می‌پرداخت که نشان از آگاهی ایشان نسبت به رخدادهای آینده دارد، مثلاً وقتی به مردم عصر خویش فرمود: «...اندک زمانی دیگر با شما هستم، بعد نزد فرستنده خود می‌روم. و مرا طلب خواهید کرد و نخواهید یافت و آن جایی که من هستم شما نمی‌توانید آمد» (یوحنا، ۷ / ۳۳-۳۴) این سخن حضرت عیسی (ع) بحرانی را در میان یهودیان برپا ساخت. آنان با دریافت معنای ظاهری کلام



عیسی (ع) احتمال‌های مختلفی، مبنی بر هجرت او به سایر بلاد، متصور شدند، آنان می‌پنداشتند که این عملکرد توسط عیسی (ع) نتیجه ای جز بسط تفکرات او را در بر نخواهد داشت و این خود دلیلی دیگر برای برخورد جدی با مسیح (ع) بود. «پس یهودیان با یکدیگر گفتند: او کجا می‌خواهد برود که ما او را نمی‌یابیم؟ آیا اراده دارد به سوی پراکنندگان یونانیان رود و یونانیان را تعلیم دهد؟ این چه کلامی است که گفت مرا طلب خواهید کرد و نخواهید یافت و جایی که من هستم شما نمی‌توانید آمد؟» (همانجا، ۳۵/۷ - ۳۷) ندانستن حقیقت واقعی جایی که قرار است عیسی (ع) برود، آنان را از نیل به بحث عروج باز می‌داشت، به بیان دیگر یهودیان هر گونه احتمالی را جز عروج می‌دادند چه اگر این عروج از برنامه‌های اصلی عیسی (ع) بود و جدای از تحمیل موقعیت آن عصر در علم خداوندی گذشته بود، هرگز یهودیان متهم ردیف اول قتل عیسی (ع) شمرده نمی‌شدند.

حضور عیسی (ع) در آسمان همان جایی است که به بیان یوحنا، هرگز دست کسی به او نخواهد رسید. یهودیان از این گونه سخن گفتن عیسی (ع) حتی احتمال خودکشی دادند، اگر چه حقیقت چیز دیگری است. «... من می‌روم و مرا طلب خواهید کرد و در گناهان خود خواهید مرد و جایی که من می‌روم شما نمی‌توانید آمد. یهودیان گفتند: آیا اراده ی قتل خود دارد که می‌گوید به جایی خواهیم رفت که شما نمی‌توانید آمد؟ ایشان را گفت: شما از پایین می‌باشید اما من از بالا. شما از این جهان هستید، لیکن من از این جهان نیستم.» (همانجا، ۸ / ۲۱ - ۲۳) یا وقتی او با صراحت می‌گوید که قرار است از زمین رفع داده شود. «و من اگر از زمین بلند شوم، همه را به سوی خود خواهم برد» (همانجا، ۱۲ / ۳۲)

از هدف‌های خبر دادن مسیح (ع) به مردم عصر خویش می‌توان آمادگی پیروان این آیین در برخورد با مسأله عروج را طرح نمود تا با قوت قلب به این مهم ایمان بیاورند، از این رو به هنگامه خداحافظی به شاگردانش فرمود: «شنیده‌اید که من به شما گفتم: می‌روم و نزد شما می‌آیم. اگر مرا محبت می‌نمودید، خوش حال می‌گشتید که گفتم: نزد پدر می‌روم؛ زیرا که پدر بزرگ تر از من است و الآن قبل از وقوع به شما گفتم تا وقتی که واقع گردد، ایمان آورید. بعد از این، بسیار با شما نخواهم گفت؛ زیرا که رئیس این جهان می‌آید» (همانجا، ۱۴ - ۳۳ - ۳۴)

از صعود عیسی (ع) به آسمان، انجیل‌ها نیز یاد می‌کنند: « و خداوند بعد از آن که به ایشان سخن گفته بود، به سوی آسمان مرتفع شده، به دست راست خدا بنشست» (مرقس ۱۶ / ۱۹ و لوقا ۲۴ / ۵۰-۵۳) این عبارت با خدای مسیحیان سازگاری دارد، خدایی که نه تنها او بلکه جلوس عیسی (ع) در کنارش را می‌توان دید! نقد خدای مورد پذیرش مسیحیان مجال دیگری خواهد بود، اما آن چه به بحث ما مربوط می‌شود کیفیت گزارش نویسندگان انجیل است که گویی خود با عیسی (ع) رفع داده شده و به قدری دقیق شاهد جریان هستند که در آسمان نظاره گر نشستن او در سمت راست خدا هستند!

### نتایج مقاله

یهودیان گسترش دین مسیح را خطری بزرگ برای حکومت روم ترسیم کرده و طی آن همراهی امپراتوری روم را، با هدف انحراف اذهان عمومی، از حکم ران آن خواستار شدند. طرح یهود در محکومیت مجرمان استفاده از صلیب بود؛ اگر چه هیچ اتهامی را نتوانستند متوجه عیسی (ع) کنند اما او را محکوم ساختند.

آن چه در جریان سرانجام عیسی (ع) مسیر داستان را دوگانه می‌سازد از زمان دستگیری عیسی (ع) است که بنا به نقل انجیل‌ها فرد دستگیر شده کسی جز عیسی (ع) نبوده است؛ این همه در حالی است که جدا از موضع قاطع قرآن دلایل مختلفی در انجیل‌ها وجود دارد که حاکی از این است که عیسی (ع) آن شب به اذن الهی به آسمان رفع داده شد و هرگز دست یهودیان به وی نرسید. با این روی کرد آن چه پیرامون دستگیری، محاکمه، مصلوب ساختن، تدفین، زنده شدن و... نقل می‌شود همه از ساخته‌های نویسندگان عهد جدید است.

تصویر قرآن از تولد و مرگ عیسی (ع) شگرف و منحصر به فرد و در این آیات قرآن کاملاً مشهود است: «و السلام علی یوم ولدت و یوم اموت و یوم ابعث حیاً». (مریم، ۳۳)

### کتابشناسی

۱- قرآن مجید.

۲- ترجمه کتاب مقدس، انتشارات ایلام، چاپ سوم، ۲۰۰۲ م.

سرانجام عیسی مسیح (ع) در مقارنه میان قرآن و عهد جدید ~ ۶۳

- ۳- زمخشری، محمد بن عمر، الکشاف... دارالکتب العلمیه، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
- ۴- صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا (ع)، رضا مشهدی، چاپ دوم، [بی تا].
- ۵- همو، کمال الدین و تمام النعمه، دارالکتب الاسلامیه، قم، ۱۳۹۵ ق.
- ۶- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، بیروت، موسسه اعلمی للمطبوعات، [بی تا].
- ۷- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، قم، [بی تا].
- ۸- عسکری، سید مرتضی، عقاید اسلام در قرآن کریم، ترجمه عطا محمد سردار نیا، مجمع علمی اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.
- ۹- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ ق.
- ۱۰- کارپنتر، همفری، عیسی (علیه السلام) ترجمه حسن کامشاد، طرح نو، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۱- میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۲- ناس، جان بایر، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ یازدهم، ۱۳۸۰ ش.

